



### ابراهیمی دینانی: علامه جوادی آملی فقیه الفلاسفه و فیلسوف الفقهاء است

دینانی گفت: دانشمندان گذشته ما به علوم زمان خود احاطه داشتند اما در روزگار ما به دلیل آنکه علوم گستردگی پیدا کرده و تخصصی شده، این امر دشوار است. علامه جوادی آملی فقیه الفلاسفه و فیلسوف الفقهاء است.

دینانی گفت: دانشمندان گذشته ما به علوم زمان خود احاطه داشتند اما در روزگار ما به دلیل آنکه علوم گستردگی پیدا کرده و تخصصی شده، این امر دشوار است. علامه جوادی آملی فقیه الفلاسفه و فیلسوف الفقهاء است.

به گزارش خبرگزاری مهر، همایش «بررسی آرا و اندیشه های حکمی و تفسیری آیت الله جوادی آملی از منظر پژوهشگران» صبح دیروز دوشنبه، ۳۰ آذرماه با حضور جمعی از اندیشمندان حوزه و دانشگاه در دانشگاه تهران برگزار شد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه کشور در همایش «بررسی آرا و اندیشه های حکمی و تفسیری آیت الله جوادی آملی از منظر پژوهشگران» بیان داشت: پیش از پرداختن به موضوع همایش بهتر است ابتدا در خصوص واژه دانشگاه سخن بگویم؛ دانشگاه محل دانش است که در زبان عربی الجامعه و انگلیسی یونیورسیتی گفته می شود و محلی است که جامع تمامی علوم بوده و همه چیز در آن وجود دارد؛ بنابراین، دانشگاه یعنی محل دانش و علوم که با یکدیگر خصومتی ندارند، هرچند ممکن است صاحبان علوم گاهی شیطنتی داشته و متخصصان علوم یکدیگر را قبول نداشته باشند.

وی بیان کرد: دانشمندان گذشته ما به علوم زمان خود احاطه داشتند اما در روزگار ما به دلیل آنکه علوم گستردگی پیدا کرده و تخصصی شده، این امر دشوار است.

ابراهیمی دینانی دو رشته فقه و فلسفه را دو دانشی خواند که در طول تاریخ مشکلات بسیاری برای آنها ایجاد شده و هنوز ادامه دارد، و بیان کرد: فلسفه، دشمنان بسیاری داشته است که این دشمنی گاه از سوی برخی از فقها (البته تاکید می کنم برخی از فقها) و حتی برخی عرفا بوده است به طور مثال عطار در یکی از ابیات اشعار خود «کاف کف» را خوشتر از «فا فلسفه» می داند؛ بنابراین، در طول تاریخ، فقه و فلسفه ماجراهای بسیاری ایجاد کرده اند و فیلسوفان بسیاری در این زمینه از جمله سهروردی کشته شده اند همچنان که ملاصدرا به مکان دیگر تبعید و ابن سینا نیز آواره شد. اما بزرگانی بودند که هم فیلسوف بوده و هم فقیه همچون آیت الله جوادی آملی که می توان ایشان را «فقیه الفلاسفه» و «فیلسوف الفقهاء» نامید و نشان داد که فلسفه و فقه هیچ مشکلی با یکدیگر نداشته و یک فرد می تواند هم فیلسوف باشد و هم فقیه.

ابراهیمی دینانی در ادامه سخنان خود با تاکید بر اینکه ملاصدرا از همه فقهای عصر خود فقیه تر بود، تصریح کرد: البته او فردی محدث بود که البته این جنبه ها بیشتر تحت الشعاع جنبه فلسفی این دانشمند قرار گرفت؛ همچنین، ابن رشد فیلسوف اندلس یک دوره کتاب به نام فقه ابن رشد دارد که این شخص در عین حال هم فیلسوف بود و هم فقیه و البته بر اساس فقه خود چند سال قضاوت کرد؛ در عصر ما نیز علامه طباطبایی (ره)، استاد آیت الله جوادی آملی نیز فیلسوفی بود که همزمان فقیه نیز به شمار می آمد.

چهره برجسته فلسفه کشور در ادامه با بیان اینکه من و آیت الله جوادی آملی هر دو افتخار شاگردی علامه طباطبایی را سال ها داشته ایم، ابراز کرد: حضرت علامه جلسات شبانه و پنهانی در برخی از خانه ها داشت که من و استاد جوادی آملی در این جلسات شرکت می کردیم و ایشان عضو ثابت و همیشگی این جلساتی بودند که به صورت شبانه پنجشنبه و جمعه های هر هفته برگزار می شد.

وی علامه طباطبایی (ره) را فیلسوف بزرگی خواند که شاگردان بسیاری تربیت کرد و افزود: بسیاری از مردم ایشان را مفسر می دانند اما از جنبه فلسفی علامه غافل هستند ضمن آنکه مرحوم طباطبایی فقیه و اصولی بزرگی بود و آثار بسیاری در این زمینه داشت و هر گاه ما اجازه چاپ این آثار را از ایشان می خواستیم با لهجه آذربایجانی پاسخ می داد که حالا به اندازه کافی منابع و آثار فقهی وجود دارد.

چهره برجسته فلسفه کشور در ادامه با تاکید بر اینکه بنابراین هم می توان فقیه بود و هم فیلسوف، تصریح کرد: اکنون نیز آیت الله جوادی آملی شخصیتی این گونه است که هم بر فقه اشراف دارد و هم بر فلسفه، بنابراین میان این دو دانش دشمنی وجود ندارد و اتفاقاً از قضای روزگار میان فقه و فلسفه مشترکاتی می توان لحاظ کرد.

ابراهیمی دینانی با اشاره به مشترکات دانش فقه و فلسفه توضیح داد: فلسفه در خصوص هستی و قسم، شهادت و روح و تن

سخن می گوید به عبارت جامع تر از تدبیر الهی در جامعه و نیز فقه از فرمان الهی در جامعه؛ بنابراین، فیلسوف از تدبیر الهی در آفرینش و فقیه از فرمان الهی صحبت می کنند با این وجود حال آیا میان تدبیر الهی و فرمان او ناسازگاری وجود دارد؟! وی با بیان اینکه فیلسوف تعقل کرده و فقیه با بیان فرمان الهی و اطاعت از فرمان خدا که احکام خمس است به حق تعالی تقرب پیدا می کند، گفت: فیلسوف به باطن امور می رود و به ظاهر آن اکتفا نمی کند یعنی از احساس و تخیل به تعقل می رود و البته فقیه نیز اهل باطن است و همه احکام فقه که مربوط به عبادات است را بیان می کند، عبادت بدون قصد قربت باطل است و این سخن مورد اجماع تمامی فقها است مگر در احکام توسلی، بنابراین قصد قربت نیز قصد نزدیکی به خدا و این امر جزء باطن است.

ابراهیمی دینانی در پایان سخنان خود با تاکید دوباره بر اینکه اختلافی میان فقه و فلسفه نبوده و این دو دانش با یکدیگر ناسازگار نیستند و افراد بسیاری بین این دو علم را جمع کرده اند، خاطرنشان کرد: مگر می شود فقه با تفکر و تعقل مخالفت داشته باشد؟ اما مردم گمان می کنند فلسفه شاخ و دم دارد در صورتی که فلسفه یعنی تفکر و تعقل، و فکر نیز فرآیندی است که تمام امور را در خود جای داده و اگر فکر نبود گذشته و آینده و کسب قربت نیز معنایی نداشت.